

ویژگی موضوع و هدف سیاست‌نامه‌نویسان در ایران

سید محمد شفیعی^۱

چکیده

سیاست‌نامه‌نویسی یا اندرزنامه‌نویسی همواره شیوه‌ای خردمندانه برای بیان چگونگی، راه و روش حکومت شاهان بر مردم و نحوه مدارا با آنان بوده است. اندیشمندان ایرانی از دیرباز تلاش می‌کردند تا حاکمان را پند داده و مسیر درست جهت حکومت متعالی را به آن‌ها نشان دهند. اهمیت و ضرورت پرداختن به ویژگی موضوع و هدف از انجام سیاست‌نامه‌نویسی در ایران سبب شده است تا در این پژوهش به این موضوع پرداخته شود. سؤال اصلی در این پژوهش این است که سیاست‌نامه‌ها در ایران درباره موضوعاتی نگارش می‌شدند؟ همچنین هدف نویسندگان از بیان این موضوعات چه بوده است؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی و نیز اینترنتی انجام شده است. محتوای سیاست‌نامه‌ها تداوم اندیشه ایران‌شهری بوده ولی در حین حال رنگ و بوی رنگ و بوی اسلامی هم پیدا کرد و اندیشه‌ای بود که برای بهبود وضعیت سیاسی اجتماعی جوامع مسلمان اثرگذار بود. سیاست‌نامه‌نویسی از سنت‌های دیرین در فرهنگ ایران باستان بوده و در این حوزه آثار گران‌قدری از بزرگانی نظیر خواجه نصیر طوسی باقی‌مانده که هر کدام نشان‌دهنده تلقی هر یک از مقوله سیاست و حکومت بوده است.

واژگان اصلی: سیاست‌نامه، قدرت، اندیشه، نظام سیاسی.

۱. مقدمه

یکی از حوزه‌های مهم و قابل توجه در بررسی اندیشه و آموزه‌های سیاسی در ایران (قبل و بعد از اسلام) حوزه‌ی سیاست‌نامه‌نویسی یا اندرزنامه‌نویسی یا اندیشه‌های سلوکی است. سیاست‌نامه‌ها یا اندرزنامه‌ها غالباً توسط افرادی به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند که یا مستقیماً در اداری امور حکومتی دخالت داشتند، مانند سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک و یا با نزدیک بودن به امراء و سلاطین، در حوزه‌ی سیاست عملی دستی داشته‌اند.

نویسندگان این آثار علی‌الاصول نظریه‌پرداز سیاسی نبوده و با تفکر فلسفی در حوزه‌ی سیاست نیز چندان آشنا و مأنوس نبوده‌اند. سیاست‌نامه‌نویسان سعی می‌کردند با تکیه بر تجارت شخصی در سیاست و استناد به شواهد تاریخی و همچنین با توجه به نقاط ضعف و قوت پادشاهان گذشته، راه و رسم تثبیت قدرت سیاسی را به پادشاه نشان دهند و وی را از خطرهایی که مهلک و یا مفسد حکومت است آگاه سازند. لذا در سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها، حفظ قدرت سیاسی و صیانت از آن و طرد عوامل خطرناک، گفتمان غالب و دارای اصالت است.

ویژگی عمده‌ی این حوزه از تفکر سیاسی در ایران، تأثیرپذیری آن از سیاست و حکومت در ایران باستان و عملکرد ملوک ایران‌زمین در ایران قبل از اسلام است. البته پس از ورود اسلام به ایران، سیاست‌نامه‌نویسان مسلمان سعی کرده‌اند آموزه‌های خود را با لعاب دین نیز زینت بخشند و در مواردی از آیات قرآن و سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و روایات اسلامی بهره جستند اما چون در سیاست‌نامه‌ها، هدف غایی در واقع حفظ قدرت و تحکیم آن است، تمام امور دیگر از جمله اخلاق و دین تا حد زیادی تحت‌الشعاع این نگرش قرار می‌گیرد. سیاست‌نامه‌ها توسط وزیران و دبیران کارآزموده به زبان فارسی نوشته و یا ترجمه شده‌اند و به عنوان بخش قابل توجهی از فرهنگ سیاسی ایران قابل تأمل و مطالعه هستند.

شیوه تحلیل و طرح امور مختلف در سیاست‌نامه‌ها با اندیشه‌های حکیمانه فیلسوفان و آموزه‌های فقهی فقهاء اختلاف عمده دارد. فیلسوفان اهل تفکر هستند و فقهاء نیز با استناد به قرآن و سنت در پی کشف احکام شرع در موضوع‌های مختلف می‌باشند اما سیاست‌نامه‌نویسان به تأمل در امور مربوط به کشورداری پرداخته و برای حفظ قدرت سیاسی و تثبیت آن رهنمود می‌دهند و با این آموزه‌ها و گفتمان‌ها، فن حکومت کردن و کشورداری را به سلاطین می‌آموختند، چگونگی وادار نمودن مردم به اطاعت و جلوگیری از شورش آنان، یکی از محورهای مهم در این کتب و آثار است.

همچنان که گفته شد سیاست‌نامه‌نویسی و گفته‌های حکمت‌آموز و عبرت‌آموز در باب قدرت سیاسی، ریشه در تاریخ ایران باستان دارد. در ایران باستان، حکومت پادشاهی و شاهنشاهی سازمان‌یافته با تشکیلات منظم و عریض و طویل، تنها الگوی حکومت و قدرت سیاسی بوده است. تا آنجا که آثار به‌جامانده در تاریخ گواهی

می‌دهد، تمدن گسترده‌ی ایران قبل از اسلام به ویژه در دوران هخامنشی از تشکیلات سترگ و دیوان‌سالاری منحصر به فرد در آن روزگار برخوردار بوده است. در امپراطوری ایران علی‌القاعده آثار مهمی درباره‌ی کشورداری و زمامداری وجود داشته است. متأسفانه آثار باقیمانده از آن دوران در حوزه سیاست و کشورداری نادر است (احمدی طباطبایی: ۱۳۹۱).

سؤال اصلی در این پژوهش این است که سیاست‌نامه‌ها در ایران درباره موضوعاتی نگارش می‌شدند؟ و هدف نویسندگان از بیان این موضوعات چه بوده است؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی و نیز اینترنتی انجام شده است.

۱-۱. بیان مسئله:

سیاست‌نامه‌ها از سنت‌های فکری مهم در اندیشه سیاسی جوامع اسلامی، به ویژه در تاریخ میانه است. از لحاظ تاریخی، اندیشه سیاسی در جهان اسلام، مولود شرایط سیاسی-اجتماعی هر دوره‌ای بوده و از همین روی یکی از ویژگی‌های اساسی آن، توجه گری سیاسی در درون بوده است. البته این ویژگی عام و کلی همه سنت‌های فکری-سیاسی نبوده است، ولی عموماً اندیشه‌های سیاسی در خدمت قدرت سیاسی قرار داشته‌اند (رنجبر، ۱۳۸۵).

۱-۲. روش پژوهش:

پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ویژگی موضوع و هدف سیاست‌نامه نویسی در ایران بپردازد.

۱-۳. پیشینه پژوهش:

مسعود رنجبر (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌نامه‌نویسان در ایران»، به بررسی یکی از برجسته‌ترین سیاست‌نامه‌های ایرانی پرداخته است. وی ضمن بیان مفهوم سیاست‌نامه‌نویسان در تلاش است تا به بررسی اثرخواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بپردازد. کتاب جامع‌التواریخ وی را بررسی نموده است. وی همچنین ضمن بررسی سرشت سیاست‌نامه نویسی در ایران، اندیشه‌های خواجه رشیدالدین را بازبینی نموده است. مقاله رنجبر تلاش مفیدی در معرفی این دو سیاست‌نویس ایرانی داشته است اما من در پژوهش پیش رو در تلاش هستم به موضوع و هدف نگارش سیاست‌نامه‌نویسان در ایران بپردازم.

حمداله اکوانی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌نامه‌نویسان و چرخش گفتمانی اندیشه سیاسی ایران، تحلیل کنش گفتار «سیر الملوک»، وی به بررسی نقش مؤلف اجتماعی در چرخش گفتمانی اندیشه سیاسی اسلام و ایران دوره میانه اسلامی پرداخته است. به عقیده نویسنده زمینه‌های اجتماعی قرن‌های سوم تا پنجم ه.ق بسترهایی را ایجاد کرد که از درون آن، الزامات تحول اندیشه سیاسی اسلام و ایران و چرخش گفتمانی آن را فراهم نموده است. این مقاله به بررسی زمینه بحران اندیشه خلافت محور پرداخته است. هرچند این اثر بسیار شایسته و مفید بوده است اما در پژوهش حاضر به ویژگی موضوع و هدف سیاست‌نامه‌نویسان در ایران پرداخته خواهد شد.

مرتضی یوسفی راد (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان متدلوزی سیاست‌نامه‌نویسان به بررسی موضوع و هدف سیاست‌نامه در ایران پرداخته است. این اثر در نگارش مقاله حاضر بسیار مفید و مناسب بوده است. این مقاله می‌تواند منبع مناسبی برای نگارش پژوهش حاضر باشد.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. بررسی مفهومی سیاست

سیاست، تعاریف گوناگون دارد که مجال تحلیل و بررسی همه آن‌ها نیست. ولی از مجموع تعاریف‌ها، می‌توان به دو تعریفی اشاره کرد که بیشتر می‌تواند بیان‌گر مقصود ما از سیاست در اندیشه فیلسوفان پیشین اسلامی باشد: «سیاست» به مفهوم عام، عبارت است از «هرگونه تصمیم‌گیری، خط‌مشی، طرح و برنامه داشتن برای اداره یا بهبود امور اجتماعی و فردی و هدایت آنان به سوی اهداف از پیش تعیین‌شده».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سیاست به این معنا؛ عام و هر نوع خط‌مشی را شامل می‌شود که انسان را به مقصود سیاسی‌اش هدایت می‌کند. به نظر می‌رسد این تعریف از سیاست با عقیده حکیمان پیشین که حکمت عملی را شامل هر نوع تدبیر برای رسیدن به مقصود و سعادت می‌دانستند، سازگاری دارد.

اما «سیاست» به معنا و مفهوم خاص، عبارت است از: «تدبیر و چاره‌جویی در اداره کشور، برای حفظ حاکمیت در دو مرحله امنیت داخلی و استقلال خارجی» سیاست در معنای خاص، همان هنر راهبری یک دولت و در معنای عام، هر نوع روش اداره یا بهبود امور شخصی یا اجتماعی است. به‌طورکلی آن‌که «سیاست» به هر دو مفهوم عام و خاص، در اندیشه فیلسوفان پیشین به ویژه صدرالمتألهین سازگاری دارد و مقصود ما نیز همان معنا و مفهوم می‌باشد؛ زیرا تلقی ایشان از «سیاست» این است که به لحاظ مبدأ و غایت، فعل و انفعال، متفاوت با شریعت می‌باشد.

این می‌رساند که صدرا نگاهی به علت فاعلی، غایی، صوری و مادی دارد که با تعریف فلسفه سیاست کاملاً سازگاری دارد. لذا میان آن و شریعت فرق می‌گذارد. البته اگر علت فاعلی؛ وحی الهی باشد و غایت آن، سعادت حقیقی و الهی شدن باشد، آن گاه تفاوتی با شریعت نخواهد داشت (طباطبایی: ۱۳۸۷، ۷۶).

۳. اندرزنانه‌های سیاسی

اندرزنانه‌های سیاسی یکی آثاری است که در زمینه سیاست و تأملات سیاسی در ایران و اسلام با هدف توصیه رفتار مناسب در زندگی سیاسی و تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی صاحبان قدرت به رشته تحریر درآمده است.

در این‌گونه آثار هم شیوه‌های حفظ اقتدار و مشروعیت قدرت سیاسی ارائه می‌شود و هم آنچه به تضعیف یا از بین رفتن قدرت منجر می‌شود تحت عنوان آفات قدرت سیاسی به حاکم یادآوری می‌شود تا قدرت او هرچه بیشتر نزد مردم توجیه پذیر شود؛ بنابراین محور مباحث اندرزنانه‌نویسان سیاسی قدرت حاکم و حفظ آن است. آن‌ها تفاسیر و توجیحات خود را مبتنی بر اصولی چون توأمان بودن دین و سیاست، عدالت، اخلاق و دین، تجربیات پیشینیان و بند و حکمت قرار می‌دادند (یوسفی راد: ۱۳۸۲، ۱۲۳).

۴. تبارشناسی جریان اندرزنانه‌نویسی

پیشینه اندرزنانه‌نویسی به گذشته‌های بسیار دور بر می‌گردد و مطالعه و بررسی متون و ادبیات ایران باستان به‌ویژه ساسانیان، وجود بسیاری از کتاب‌ها و پندنامه‌های منسوب به بزرگان و شخصیت‌های سیاسی این دوره را نشان می‌دهد.

در دوران اسلامی به ویژه در اوایل حکومت عباسیان به دلیل نیاز گسترده اعراب به اطلاع از شیوه‌های ملوکداری از یک سو و فقدان نیروهای کارآزموده در میان آن‌ها از سویی دیگر آیین‌های کشورداری ایران باستان و آشنایی با آن را به یکی از الزامات حکومتی خلفا تبدیل نمود. جذب یا نفوذ بسیاری از ایرانیان مستعد به ویژه در حکومت عباسیان سبب آن گردید که بسیاری از شیوه‌ها و نکات کشورداری به صورت تألیف یا ترجمه یا رفتار به مراکز قدرت انتقال یابد (قادری: ۱۳۸۸، ۱۲۱).

بسیاری از متون و اندرزنانه‌های ایرانی پیش از اسلام به‌ویژه متن‌هایی که به سیاست و روش حکومت می‌پرداخت مورد توجه قرار گرفت و جریان مهمی برای ترجمه این متون پدید آمد. تقریباً همه مؤلفان کتاب‌های آداب عربی مانند آداب الملوک‌ها در اوایل دوره اسلامی کمابیش از مضامین اندرزنانه‌های ایرانی بهره بردند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های عربی که در آن بخش‌های زیادی از مضامین اندرزنانه‌ها آمده، «الحکمه الخالده»

نوشته ابوعلی مسکویه رازی (متولد ۴۲۱) است که گزیده‌ای از اندرزهای منسوب به حکما و خردمندان قدیم ایران، یونان، روم، هند و عرب می‌باشد.

از کتاب‌های دیگر در این خصوص «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم» نوشته ثعالبی و «التاج فی اخبار الملوک» منسوب به جاحظ است.

بنابراین فرهنگ سیاسی ایران پیش از اسلام در قالب متون ترجمه‌ای به زبان عربی و تواریخ و نوشته‌های اسلامی بازتاب گسترده‌ای یافت و این جریان در تاریخ خلافت و ایران اسلامی با کارکردهای متفاوتی تداوم پیدا کرد.

ابن مقفع (۱۴۴-۱۰۶ هجری) با ترجمه آثار مهمی پایه‌گذار سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی در دوران اسلامی است (الهیاری: ۱۳۸۱، ۱۳۱).

این آثار بستری مناسب برای بازتاب و انتقال فرهنگ سیاسی باستانی یا اندیشه ایرانی‌شهری در دوران اسلامی فراهم ساخت.

۵. تفاوت سیاست‌نامه و مطالعه سیاسی

بر اساس چرخه سیاست‌گذاری نوع بررسی سیاست‌های یک کشور یا نظام سیاسی صورت می‌گیرد. یکی تحلیل سیاستی و دیگری مطالعه سیاست‌گذاری تحلیل سیاستی به مراحل طرح مسئله در دستور کار تدوین و تطبیق مسئله در سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

به عبارت دیگر در جریان طراحی و ارائه خط تیمش به حکومت و نهادهای اجرایی می‌پردازد. سیاست‌نامه‌نویسان عمدتاً برای کمک به این مرحله مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما مطالعه سیاست‌گذاری به فهم و اطلاع از فرایند سیاست‌گذاری و همچنین ارزیابی سیاست‌ها اشاره دارد که می‌تواند مبنای کار سیاست‌نامه‌نویسان باشد.

به عبارت دیگر افرادی در کار سیاست‌نامه باید وارد شوند که بیش از اینکه مورد آن سیاست مطالعه داشته باشند یا از مطالعه فرآیند یک سیاست درگذشته آگاه باشند تا امکان ارائه راه‌حل به مقام‌های تصمیم‌گیری را داشته باشند.

در این مرحله مطالعه سیاست‌گذاری شناخت فرهنگ و بستر تاریخی سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، انتقاد صادقانه از سیاست انجام می‌دهد و نتیجه‌بخش بودن یا نبودن آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین سیاست‌نامه به موضوعی می‌پردازد که در حال حاضر حکومت با آن درگیر است و به دنبال ارائه راه‌حل برای آن

حکومت می‌باشد؛ اما پژوهش راهبردی مطالعه سیاست‌گذاری و فرایند سیاست‌گذاری است که پیش از این دولت انجام داده است. (غریاق زندی: ۱۳۹۶، ۱۶۶).

۶. مفهوم سیاست‌نامه و جایگاه تاریخی آن

این نوشته‌ها که به اعتبار مشهورترین آن‌ها (سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک) با عنوان شایع سیاست‌نامه معروف‌اند، رساله‌هایی با نام‌های گوناگونی مانند اندرزنامه‌ها، آیین‌نامه، ارشادنامه، تصحیه‌الملوک، آئینه شاهی و... بودند که توسط فقیهان، فیلسوفان و بعضاً عرفا و بزرگان صوفیه، خطاب به فرمانروایان نوشته می‌شدند.

رساله‌های سیاست‌نامه، با توجه به شرایط تاریخی - سیاسی ظهور آن‌ها، خصایص ویژه‌ای داشته و هریک از آن‌ها در قالب یک اندرزنامه پندآمیز به منظور راهنمایی عملی امیر یا سلطان خاص نوشته شده و برای ایجاد تنوع، به نقل‌ها، حدیث‌ها و حکایت‌های شیرین آمیخته شده‌اند.

اما این‌که این نوع ادبیات سیاسی از کدام حوزه فکری متأثر می‌باشد، اختلاف نظر است. دکتر طباطبایی، سیاست‌نامه‌ها را ادامه اندیشه ایران‌شهری در باب سیاست می‌داند و به‌نوعی آن را بیان‌گر تلاش فکری ایرانیان برای کسب استقلال فکری به دنبال رسیدن به استقلال سیاسی تحلیل می‌کند.

اما داود فیرحی سیاست‌نامه را نه یک جریان مستقلی در برابر فقه و فلسفه سیاسی مسلمانان، بلکه جزئی از قلمرو فراخ فقه و فلسفه عملی و منضم به آن حوزه می‌بیند؛ اما سیاست‌نامه‌ها در دوره اسلامی عموماً در دوره‌ای از تاریخ ایران شکل گرفته‌اند که اصطلاحاً به «دوره میانه» معروف است.

تاریخ میانه ایران از چند جهت حائز اهمیت است و آن شکل‌گیری سلطنت‌های نیمه مستقل در سرزمین ایران بود که در کنار خلافت اسلامی در بغداد شکل گرفتند و اگرچه مشروعیت خود را از خلیفه بغداد کسب می‌کردند، ولی در اعمال قدرت مستقل بودند. در واقع، این سلطنت‌های جدید برای توجیه خود نیاز به اندیشه جدیدی داشتند که سیاست‌نامه‌ها می‌توانست این کارکرد را به خوبی انجام دهد. (رنجبر: ۱۳۸۵، ۱۱۷).

۷. هدف سیاست‌نامه‌نویسان در ایران: سیاست‌نامه‌نویسی شیوه‌ای است که به وسیله آن راه‌ها و شیوه‌های حفظ اقتدار و مشروعیت قدرت سیاسی ارائه می‌شود. در آن هم راه‌ها و ابزارها و شیوه‌ها شناسایی شده و به حاکم و سلطان ارائه می‌شود و هم آنچه به تضعیف یا از بین رفتن قدرت منجر می‌شود تحت عنوان آفات قدرت سیاسی به حاکم یادآوری می‌شود تا قدرت حاکم هرچه بیشتر نزد مردم توجیه‌پذیر شود؛ بنابراین کانون تفسیر سیاست‌نامه‌نویسان، قدرت حاکم است. اینان تفاسیر و توجیحات خود را مبتنی بر اصولی چون توأمانی دین و سیاست، عدالت، اخلاق و دین، تجربیات پیشینیان و پند و حکمت قرار می‌دادند. آنچه سیاست‌نویسان را در

روش خود از دیگران متمایز می‌کرد، توجیه واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی زمانه و تجربه گذشتگان بود (یوسفی راد، ۱۳۸۳).

دکتر سید جواد طباطبایی از اساتید فلسفه و اندیشه سیاسی معتقدند که: «بخش بزرگی از اندیشه‌های سیاسی در ایران در سیاست‌نامه‌هایی آمده است که نویسندگان آن به تأمل در روابط و مناسبات سیاسی جامعه پرداخته‌اند».

اغلب این نویسندگان اگر هم در خدمت سلطانی نبوده‌اند، لاجرم نسبتی با «سیاست عملی» داشته‌اند. از این حیث می‌توان گفت که آنان در تکوین سازمان سیاسی کشور و تدوین ایدئولوژی سیاسی آن نقش بسزا داشته‌اند؛ به عبارت دیگر روش اندیشیدن در باب سیاست و قدرت در ایران مخصوصاً در دوران خلافت عباسی و بعد از آن متأثر از روش سیاست‌نامه نویسی است که در آن مبنای اصلی اندیشه نه مصلحت مردم، بلکه مصلحت سلطنت بوده است.

از این‌رو بر پایه این نظریه، محور اصلی تحلیل سیاسی، سیاست‌نامه‌نویسی و سیاست‌نامه‌ها، فرمانروا است. سیاست‌نامه نویسان تمامی هم خود را مصروف این امر می‌کنند که «راه و رسم فرمانروایی یا به بیان دقیق‌تر بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی چیست؟»

دو موضوع اساسی که ذهن سیاست‌نامه‌نویس‌ها را به خود مشغول داشته است این بوده که ابتدا آن‌ها عموماً به بحث در چگونگی اکتساب قدرت سیاسی و شیوه‌های نگهداری آن پرداخته‌اند و در مرحله بعد اندیشیده‌اند که چگونه می‌توان از خروج خوارج (بروز مخالفت با قدرت حاکم) جلوگیری کرد و سر رعایا را در چنبر اطاعت ملک نگاه داشت اگر حفظ وضع موجود را چنانکه گفته شد برآیند این تلاش‌ها تلقی نماییم، می‌توان گفت که سیاست‌نامه‌نویسان در پی آن بوده‌اند که از یک سو با توجیه راه‌های به قدرت رسیدن - از جمله سلطنت موروثی یا شوکت (زور) پادشاه - خلق را به خدمت حاکم یا پادشاه وفادار سازند و از سوی دیگر مانع بروز مخالفت علیه شاه یا حاکم شوند.

این ویژگی‌ها به نوعی بیان ابعاد سیاست‌نامه‌نویسان است که تصور می‌شود از ترکیب اندیشه ایرانی شهری باستان با آموزه‌های دوره اسلامی در باب خلافت و سیاست شکل گرفته است. به تأثیر از فضای دینی بعد از اسلام در ایران، البته برخی از فعالیت‌ها از این دست در قالب دیگری تقریر یافته‌اند که به «شریعت‌نامه» مشهور است.

به اعتقاد دکتر طباطبایی، «شریعت نامه نویسان هرچند مانند سیاست‌نامه‌ها به توجیه ایدئولوژیک خلافت پرداخته‌اند، اما در تأسیس نظریه خود از اندیشه «سلطنت» فاصله گرفته و «شریعت» را در کانون تفسیر خود قرار می‌دهند.^۱

۸. مبانی سیاست‌نامه نویسی

۸-۱. توأمانی دین و سیاست

یکی از مبانی اساسی سیاست‌نامه‌نویسان عدم جدایی دین و سیاست بود. از اعتقاد به عدم جدایی دین از سیاست با تعابیر مختلفی چون «عین همنند»، «دو برادر همزاد» و «همترازی» یاد شده است.

این نگرش اختصاص به اسلام و ایران ندارد، بلکه اندیشه‌ای قدیمی به خصوص در ایران، هند و چین بوده است. اندیشمندان اسلامی به دلیل دو کارکرد دین، به این دیدگاه اعتقاد پیدا کردند: یکی به منظور تأسیس وحدت و انسجام فرهنگی و دیگری ارائه یک مقیاس و ملاک برای ارزیابی رفتار سیاسی جامعه و دولت. به همین جهت، نزد اینان این امر نقش مهمی در تأمین مصالح عمومی و ایجاد اتفاق کلمه و قطع منازعه و وضع مقررات و حذف یا حل اختلاف و توزیع نقش‌ها و حفظ امانت‌های مردم داشت. (فیرحی: ۱۳۸۷: ۲۱۵).

اعتقاد به تلازم بین دین و سیاست بود که اندیشه اسلامی آن را به مثابه لازمه سلطنت حفظ کرده و خواهان اجرای شریعت بود. «و هرگه که کار دین با خلل باشد، مملکت شوریده بود و مفسدان قوت گیرند و پادشاه را بی‌شکوه و رنجه دل دارند و بدعت آشکار شود و خوارج زور آرند». در دوره اسلامی، سلطنت اسلامی استواری خود را بر بنیاد شریعت و اجرای احکام اسلامی می‌داند، به همین جهت فرمانروایان جوامع اسلامی تا قبل از مشروطه از جعل قوانین و موازین خودداری می‌کردند. پادشاه فقط در مقابل خداوند که اختیار و قدرت شاه از او نشأت می‌گیرد مسئول است. وظایف مهم پادشاه عبارتند از: الف) برخورد یکسان پادشاه با دین و سیاست، ب) ترویج و تقویت شریعت، ج) رعیت داری. چنین وظایفی برای پادشاه، او را بر آن می‌دارد که همیشه بر دو پایه تقویت شریعت و رضایت رعیت عمل کند. (یوسفی راد: ۱۳۸۲، ۱۲۲).

۸-۲. عدالت

یکی از پایه‌های اصلی پادشاهی در اندیشه قدیم ایران و از صفات پادشاهان دوره اسلامی عدالت است. سیاست‌نامه‌نویسان عقیده داشتند که پادشاهی بدون دادگری استوار نمی‌ماند و دچار دگرگونی می‌شود. عنصر اعتدال در فرهنگ ایرانیان باستان مورد توجه خاص بوده است. به عقیده حمید عنایت ایرانیان باستان در پرتو آموزش‌های زردشت پیش از ارسطو با آن آشنا بودند و آن را گرامی می‌داشتند. در مبنای فلسفی ایرانیان، عدالت آن است که هر چیزی در جای خویش نیکوست و هرکس در شأن و مقام مناسب خود قرار گیرد. « (یوسفی‌راد: ۱۳۸۲، ۱۲۳).

۸-۳. واقع‌گرایی و فلسفه سیاست مبتنی بر قدرت

سیاست‌نامه‌نویسان با نظر به حیات سیاسی جوامع و فراز و فرود دولت‌ها و سلاطین، مطالعاتشان از نوعی «واقع‌بینی»، برخاسته از تجربه برخوردار است. نمونه بارز آن کلیله و دمنه است که در آن آمده است: ملک گفت... اکنون باید داستانی یاد کنی... در باب کسی که او را از هر جایی دشمنان پیش آیند و کار او سخت گردد و بیم زیان آمدن باشد و جز آن چاره ندارد که با خصمان بسازد و صحبتی یکدل بر دست گیرد تا از آن بلا و اندیشه رستگاری یابد که آن صلح چگونه جوید و در آن مراد چگونه گشاده شود. فیلسوف گفت که نباید دانستن که نه دوستی بر یک قاعده بماند و نه هر دشمنی بر یک نهاد بیاید. بسیار دشمنی بود که دوستی گردد و بسیار دوستی بود که دشمنی گردد و آن جز از گشت روزگار و طالع اختران نبود. چون طالع بگشت طبع بگردد، آنگاه بود که در دل دشمن امیدی پدید آید و از دوست نومید گردد. (شریف: ۱۳۶۵، ۲۳۲).

۸-۴. حاکمیت نظم بر امور عالم زمینی و آسمانی

سیاست‌نامه‌نویسان به وجود نظم واحدی در جهان و عالم آسمانی و زمینی اعتقاد دارند. در این نظم تکلیف همه چیز معلوم بوده و هر چیزی از شأنی برخوردار است و شأن سلطان جهانگیری و جهان داری است؛ بنابراین لازم است علم و حکمت لازم را برای جهان داری از حکما اخذ کند تا بتواند حافظ این نظم باشد.

بنابراین اصل، سیاست به معنای سامان دادن امور جامعه و حفظ شأن و شؤون آن و تنبیه فرد متخلف از نظم موجود است؛ بنابراین یکی از وظایف شاه، شناخت نظم و اصول حاکم بر جهان - چه جهان طبیعی و چه اجتماعی - و پاسداری از آن است.

در این نظم، هر تحول و انقلابی که نظم را به هم بریزد، بدعت تلقی می‌شود و لازم است که این نظم به دست پادشاهی دین آگاه استقرار یابد. این نظم و امنیت زمانی ایجاد می‌شود که پادشاهی نیک عادل و دارنده قر ایزدی

باشد که با از بین رفتن چنین پادشاهی، نظم و امنیت از بین می‌رود و فتنه‌ها پدید می‌آید. مراد از این نظم آن است که هر چیز را به قاعده خود در آورد و هر آنچه را که از قاعده و بنیاد خویش افتاده باشد بر گرداند و با این کار زوال و فساد را از دولت و ملک خود دور کرده است (یوسفی راد: ۱۳۸۵، ۱۱۷).

۸-۵. تقدیر گرایی

سیاست‌نامه‌نویسان همواره به نوعی جبر و تقدیرگرایی در نظم حاکم بر پدیده‌های سیاسی - اجتماعی اعتقاد داشتند و قدرت شاه را نیز ناشی از اقتدار مطلقه خداوند تلقی می‌کردند. اینان سلطنت را ناشی از اراده و مشیت الهی دانسته و اراده بشری را خارج از آن می‌دانستند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر مقتدر غازان خان، در نامه‌ای که در جواب کیتباد سلجوقی نوشته، آورده است: «کلاه دولت و قبای حشمت بر سر آن کس لایق و زیبا می‌افتد که حق سبحانه و تعالی می‌خواهد». (یوسفی راد: ۱۳۸۲، ۱۲۲).

۹. موضوع و هدف سیاست‌نامه

در فلسفه سیاست دوره قدیم محور اساسی نظریات سیاسی، شخص حاکم، ویژگی‌ها و شرایط او و نیز چگونگی حفظ قدرت و ابزارها و روش‌های بود.

پاسخ به چنین سؤالاتی ذهن فیلسوفان را به خود مشغول کرد که چگونه مدینه فاضله خود را شکل دهند و چگونه و با چه شرایطی افراد جامعه به سعادت حقیقی برسند؛ آنگاه فلسفه سیاسی خود را در رسیدن به نظمی مطلوب ترسیم می‌کردند. همچنین در پاسخ به این سؤال آن‌هایی نیز که دغدغه‌شان نه دستیابی به مدینه فاضله که ارائه راه‌ها و شیوه‌های حفظ قدرت از طریق رعایت اصول و آداب ملک داری بود به اندیشه ورزی پرداختند. (یوسفی راد: ۱۳۸۲، ۱۲۲).

توجه به این مسئله موجب گشت تا نهاد شاهی به‌مثابه مرجعی که باید حکومت به آن واگذار شود، مرکزیت یابد. سیاست، در چنین فضای فکری، به معنای ارائه‌دهنده سازوکارها و روش حفظ سلطنت در داخل مرزها و خارج از آن و تنبیه مخالفان نظم موجود تعریف می‌شود. این معنای از سیاست محور نظریاتی شد که خصوصیات حاکم و هنر حفظ قدرت را بیان می‌دارند و مشغولیت ذهنی صاحب‌نظران نگه‌داشتن قدرت در دست حاکم شد، بدون آن‌که دچار دل‌مشغولی فیلسوفان در ترسیم مدینه فاضله و وصول به آن شوند.

این دسته از نظریه‌پردازان در ایران قبل از اسلام به «اندرزنامه نویسان» و در دوره اسلامی به «سیاست‌نامه نویسان» معروف گشتند. ادعای این گروه آن است که در مقام کشف رفتار درست و مناسب در عرصه عمومی

هستند. نزد آنان، بحث از قدرت ذاتاً موضوعیت یافت و دریافتن راه‌های اعمال و حفظ آن در آرای خود از مقدمات فلسفی کمتر استنتاج کردند، اگرچه آرایشان به‌نوعی متأثر از فلسفه عمومی‌شان است.

بحث عمومی اینان، بررسی نحوه اکتساب قدرت سیاسی و شیوه‌های نگه‌داری و استمرار آن است و اینکه چگونه می‌توان علیه شورشیان قدرت سیاسی وارد عمل شد و جلو آن‌ها را گرفت و به اطاعت از حاکم وا داشت.

خواجه نظام‌الملک، از نام‌آوران و معروف‌ترین سیاست‌نامه‌نویسان، تمام سعی و هم خود را صرف بیان راه و رسم فرمانروایی و «بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی» کرد و در این راستا تمام شؤون حیات اجتماعی را در خدمت آن قرار داد، نظیر این‌که از نظر خواجه نظام‌الملک، دیانت در خدمت سیاست و مشروعیت آن قرار می‌گیرد، یعنی دیانت وسیله مشروعیت بخشی به قدرت سیاسی حاکم و قوام ملک و مملکت می‌شود. خواجه نظام‌الملک نظر پادشاه زمان خود - که پادشاه فرهمند ایرانشهری نیست - را به سنت ملکان عجم جلب می‌کند: «و این جهان روزنامه ملکان است».

اگر نیک باشند مرایشان را به نیکی یاد کنند و آفرین گویند و اگر بد باشند به بدی یاد کنند و نفرین گویند».

نزد سیاست‌نامه‌نویسان، شاه خلیفه خدا در روی زمین بوده و پس از بسته شدن دایره نبوت و امامت جهت اصلاح حال بندگان و دفع ظالمان و طغیان‌گران، عامل جریان یافتن لطف الهی می‌باشد و به مصداق «توتی الملک لمن یشاء» شخصی را به پادشاهی بر می‌گزیند.

چنین شخصی اگرچه از قدرت زیادی برخوردار است، اما خود قانون‌گذار نیست، بلکه در آیین کشور دارای اسلامی، هرگز حق مطلق وضع قانون در اختصاص اشخاص نبوده و اساساً قانون‌گذاری در معنای خاص آن هیچ‌گاه از وظایف بشر به شمار نمی‌آید. پادشاه مطیع شریعت و عامل اجرای آن است (یوسفی راد: ۱۳۸۲، ۱۲۷).

خواجه نظام‌الملک در این باره می‌گوید: بر پادشاه واجب است در کار دین پژوهش کردن و فرایض و سنت و فرمان‌های خدای تعالی به جا آوردن و کار بستن و علمای دین را حرمت داشتن و کفاف ایشان را از بیت المال پدید آوردن (طوسی: ۱۳۷۲، ۶۲). سیاست‌نامه‌نویسان در تبیین نحوه حفظ قدرت سه امر را بر خو واجب می‌دیدند که به حاکم و سلطان ارائه دهند: ترسیم اصول حفظ قدرت، روش‌های حفظ آن و خصوصیات که حاکم را بر طریق سنت و عدالت و شریعت و ابدار دارد.

۱۰. ویژگی اساسی سیاست‌نامه

در ادامه به بررسی ویژگی‌های سیاست‌نامه‌نویسان پرداخته می‌شود. ویژگی‌ها به نوعی ابعاد سیاست‌نامه نویسی نیز هستند که در واقع، تلفیقی از اندیشه ایرانی‌نویس با آموزه‌های اسلامی است. این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱۰-۱. توجه به عدالت:

عدالت در سیاست‌نامه‌ها عنصر اصلی و پایه تداوم قدرت است که در واقع، هم در اندیشه‌های ایرانی‌نویس و هم در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید شده است. تفاسیری هم که از عدالت شده، به نوعی تلفیقی بوده و در آن، عناصری از اندیشه اسلامی، ایرانی و یونانی مشاهده می‌شود.

یکی از پایه‌های اصلی پادشاهی در اندیشه قدیم ایران و از صفات پادشاهان دوره اسلامی در سیاست‌نامه‌ها، عدالت است (فیرحی و همکاران: ۱۳۸۷، ۲۴۶). سیاست‌نامه‌نویسان عقیده داشتند که پادشاهی بدون دادگری استوار نمی‌ماند و دچار دگرگونی می‌شود: گفته‌اند بزرگان دین که الملك یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم (طوسی: ۱۳۷۲، ۱۵).

ملاط چنین عدالتی که بنیان ساختمان دولت و پادشاهی است، اعتدال‌گرایی است و در مبانی فلسفی سیاست‌نامه‌نویسان اعتدال‌گرایی جزو فطرت بشر و لازمه تداوم حیات بشری دانسته شده است. از نظر علمی، اعتدال‌گرایی نه تنها زبان‌های افراط و تفریط را ندارد، که سود فراوان نیز دارد (رجایی: ۱۳۷۳، ۶۷).

عنصر اعتدال در فرهنگ ایرانیان باستان مورد توجه ویژه بوده است. به عقیده حمید عنایت ایرانیان باستان در پرتو آموزش‌های زردشت، پیش از ارسطو با اعتدال آشنا بودند و آن را گرمی می‌داشتند (عنایت: ۱۳۵۶، ۷۰).

در مبانی فلسفی ایرانیان، عدالت آن است که هر فردی در پایگاه اجتماعی مناسب خود قرار گیرد و اگر کسی در مرتبه خود قرار نمی‌گرفت، جایگاهش ظلم به خود و به جامعه تلقی می‌شد. خواجه می‌گوید:

از ناموس‌های مملکت یکی نگاه داشتن القاب و مراتب و اندازه هر کس است؛ چون لقب مرد بازاری و دهقان یکی باشد، هیچ فرقی نبود و محل معروف و مجهول یکی باشد و چون لقب عالم و جاهل یکی باشد، تمیز نماند و این در مملکت روا نباشد (طوسی: ۱۳۷۲، ۲۰۰).

۱۰-۲. توأمانی دین و سیاست:

این ویژگی، باز ریشه در آموزه‌های هر دو اندیشه ایرانی و اسلامی دارد. هم‌چنین تفسیری که از این توأمان صورت گرفته بازتاب همین رویکرد تلفیقی است که بر حسب آن به دلیل پیوند این دو وجه عمده در زندگی

انسان، خلل و اضطراب در هر يك، به معنای آشفتگی دیگری خواهد بود و هم در اندیشه‌های ایرانی و هم در اندیشه‌های اسلامی نمود آن را می‌توان یافت.

۱۰-۳. توجه به واقعیت‌های سیاسی:

این ویژگی، عنصر بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای است، یعنی سیاست‌نامه‌ها با وجود این‌که با تأکید بر عدالت و توأمانی دین و سیاست به‌نوعی يك اندیشه آرمان‌گرایانه را پرورانده‌اند، از واقع‌بینی سیاسی هم غافل نبوده‌اند.

۱۰-۴. تقدیرگرایی:

بر اساس این ویژگی، در این اندیشه‌ها نوعی جبر و تقدیرگرایی بر امور و یا پدیده‌ها حاکم است که اوضاع سیاسی - اجتماعی هم از این منوال تبعیت می‌کند. این موضوع نیز در هر دو اندیشه ایرانی و اسلامی به چشم می‌خورد که البته باید گفت در معرض تفسیرهای ناروای زیادی هم قرار گرفته است (یوسفی راد: ۱۳۸۲، ۱۳۴).

سیاست‌نامه‌نویسان همواره به‌نوعی جبر و تقدیرگرایی در نظم حاکم بر پدیده‌های سیاسی - اجتماعی اعتقاد داشتند و قدرت شاه را نیز ناشی از اقتدار مطلقه خداوند می‌پنداشتند. اینان سلطنت را ناشی از اراده و مشیت الهی و اراده بشری را خارج از آن می‌دانستند (فیرحی و دیگران: ۱۳۸۷، ۲۴۹).

خواججه نظام‌الملک بر این باور است که خداوند سلطنت را به فرد شایسته آن واگذار می‌نماید: ایزد تعالی در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه و ستوده آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام‌بندگان را بدو باز بندد و در فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند (طوسی: ۱۳۷۲، ۱۱).

نتیجه‌گیری

موضوع و محتوای سیاست‌نامه‌ها در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام و ایران از موضوعات بحث‌برانگیز بوده است. سیاست‌نامه‌نویسان و گفته‌های حکمت‌آموز و عبرت‌آموز و اندرزنامه‌ها از سنت‌های دیرین در فرهنگ ایران باستان است.

سیرالملوک یا سیاست‌نامه‌های فراوانی به قلم نویسندگان بزرگی از ایران برجای مانده است که هر کدام نشانگر طرز تلقی خواص و عوام از مقوله سیاست و حکومت در دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌باشد. آثار گران‌سنگی از خواججه نظام‌الملک یا ابوالحسن عامری و خواججه نصیر توسی و حتی سعدی شیرازی نشانگر توجه جدی اهل فکر به این مسئله بوده است.

شگفت آنکه سیاست و حکومت که موضوعی اجتماعی و فلسفی است، در قالب سیاست‌نامه‌نویسان در تاریخ کشور بیشتر مورد توجه ادبا و گاه شاعران نیز بوده است.

اگرچه محتوای سیاست‌نامه‌ها در تداوم اندیشه ایرانشهری بود، ولی درعین‌حال، رنگ و بوی اسلامی هم پیدا کرد و در فضای فکری - سیاسی حاکم در دوران میانه حتی مثبت هم واقع شد و اندیشه‌ای بود که برای بهبود وضعیت سیاسی - اجتماعی جوامع مسلمان اثرگذار بود.



منابع:

- احمدی طباطبایی، سید محمدرضا، (۱۳۸۷)، اخلاق و سیاست، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- احمدی طباطبایی، سید محمدرضا، (۱۳۹۱)، «سیاست‌نامه‌نویسان در تاریخ ایران»، دسترسی در سایت: <https://rasekhoon.net/article/show/673981>
- اللهیاری، فریدون، (۱۳۸۱) «قابوس‌نامه عنصرالمعالی و جریان اندرنامه‌نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان.
- طوسی، خواجه نظام الملک، (۱۳۷۲)، سیرالملوک، به اهتمام هیربرت دارک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- رجائی، فرهنگ، (۱۳۷۳)، معرکه جهان‌بینی‌ها، تهران، احیاء کتاب.
- رنجبر، مقصود، (۱۳۸۵)، «سیاست‌نامه‌نویسان در ایران»، فصلنامه تاریخ در آیین پژوهش، شماره ۹
- فیرحی، داود و همکاران، (۱۳۸۷)، روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی»، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قادری، حاتم، (۱۳۸۸)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، نشر سمت.
- عنایت، حمید، (۱۳۵۶)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، دانشگاه تهران.
- غرایق زندگی، داوود، (۱۳۹۶)، «شیوه سیاست‌نامه‌نویسان در مطالعات راهبردی»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۳، پاییز.
- یوسفی راد، مرتضی، (۱۳۸۳)، «متدلوژی سیاست‌نامه‌نویسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، ۱۲۳-۱۳۴.
- <http://www.nakhkoub.blogfa.com/post/>